

دکتر ابوالحسن مبین

استادیار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

mobayen2005@yahoo.com

در آمدی بر سبک و شیوه تاریخ نگاری رشیدالدین فضل الله همدانی

چکیده :

از آن جایی که رشید الدین به اسناد و مدارک مربوط به مغولان دسترسی داشت، گزارش‌های نافذ و درستی از تاریخ و وقایع آن دوره ارائه وی دهد. حفظ دقت نظر در ثبت وقایع تاریخی و در کنار آن اشاره اجمالی به علل و نتایج امور و حوادث با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان از دیگر ویژگیهای کار رشید الدین فضل الله است. وی همچنین فرایند تدریجی جذب مغولان در فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی را باز گو می کند و اینکه آنان نیز بتدریج جزئی از تاریخ طولانی این سرزمین گردیدند. کتاب اصلی رشید الدین یعنی جامع التواریخ که شهرت رشید الدین اکنون به آن اثر وابسته است اولین اثری است که در عالم ایرانی و اسلامی تقریباً به روش و سبک معمول تحقیقات تاریخی جدید اروپایی تألیف شده است. از سوی دیگر جامع التواریخ مهم ترین سرچشمه شناخت تاریخی این دوره به شمار می آید. مولف همچنین در این اثر یک دوره تاریخ کامل کلیه اقوام آسیایی و اروپایی عصر خود را از روی مدارک و منابع اقوام مزبور تدوین و تألیف کرده است در مقاله حاضر، سعی بر آن است تا با نگاهی کلی سبک و شیوه تاریخ نگاری رشیدالدین فضل الله و به خصوص ویژگیهای بارز اثر وی جامع التواریخ از زوایای جدید مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه:

رشیدالدین فضل الله، غازان خان، جامع التواریخ، ایلخانان، تاریخ نگاری.

مقدمه

در میان آثار تاریخی متعدد و مهم عصر ایلخانی دو کتاب تاریخ جهانگشای جوینی و جامع التواریخ رشیدی و پس از آنها تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار معروف به تاریخ و صاف و تاریخ گزیده اثر حمدالله مستوفی دارای ارزش و اعتبار خاصی می باشند.^۱ اما روشن ترین تاریخ نمونه این دوره جامع التواریخ رشید الدین فضل همدانی (۷۱۸-۶۴۵ ق/۱۳۱۸-۱۲۴۷م) است.^۲

به طور کلی در این عصر علیرغم آنکه شعر و ادب فارسی از رونق سابق خود افتاد ولی فن تاریخ نویسی در عهد پس از هجوم مغول در ایران و ممالک همجوار رواجی تمام گرفت و ترقی عظیمی نمود و آثار نفیسی در این زمینه که از بهترین آثار تاریخی به فارسی محسوب می شوند، تألیف و تدوین گردید. این گونه آثار، تقدم ایرانیان را در نگارش تاریخ مغول بازگو می کنند. تاریخ نگاری زبان فارسی در زمان مغولان به سطحی رسیده بود که مورخان تنها به رویدادهای خارجی بسنده نمی کردند، بلکه با شرح فرمانروایی یکایک ایلخانان رویدادهای تاریخی داخلی را نیز مورد بررسی قرار می دادند. کتب تاریخی تدوین شده در این دوره عموماً به زبان فارسی است و تمام ایلخانان مغول به خوبی از متون و مطالب آن مطلع می شدند.

موضوع توجه به تاریخ و ترویج تاریخ نویسی در این دوره از علاقه سلاطین مغول بر حفظ نام و آوازه شجاعت و کشور گشایی و تبارگرایی ایشان ناشی می شد. روایتی در این مورد در طبقات ناصری اثر تاریخی قاضی منهاج سراج جوزجانی ثبت شده که حاکی از علاقه خاص چنگیز به بقای نام خود در صفحات روزگار است. وی همچنین شدیداً جویای کسب «اخبار انبیاء و سلاطین عجم و ملوک ماضی»^۳ بود.

ایلخانان نیز اشتیاق داشتند که خاطره فتوح و جنگهایشان را جاودانی سازند و به زودی اتباعی یافتند که مایل بودند این مهم را به عهده گیرند. مسلم است که تشویق و ترغیب شخص غازان خان که به اسطوره و تاریخ دل بستگی تمام داشت در تألیف جامع التواریخ رشیدی موثر بوده است.^۴ حتی ایتن کاترمر معتقد است که افتخار به وجود آمدن

کتاب جامع التواریخ به غازان خان متعلق است، زیرا این پادشاه پیش بینی می کرد که مغولان در ایران با وجود تفوقی که در آن وقت داشتند در طول مرور ایام و در ضمن گذشت روزگار در عنصر ایرانی مستحیل خواهند شد و بنابراین خواست برای اعقاب خود یادگاری به صورت تاریخی جامع که شامل آثار و مآثر گذشته و اخبار و مفاخر حال ایشان باشد به زبان فارسی بجای گذارد.^۴ رشیدالدین نیز در همین مورد می نویسد:

«عادت مغول آن است که نسبت آباء واجداد را نگاه دارند. ازاین

جهت هیچ یک از ایشان نباشد که قبیله و نسب خود نداند و به غیر از مغول

دیگر اقوام را این عادت نیست».^۵

به عقیده بویل، غازان خان بی تردید بزرگترین سلاطین ایلخانی ایران و با توجه به معیارهای کلیه اعصار تاریخ، یکی از انسانهای بسیار با استعداد و خوش قریحه بوده است. وی نه تنها با هنرها و علوم چون تاریخ طبیعی و پزشکی و اختر شماری و کیمیا آشنایی داشت، بلکه چندین صنعت را می دانست. با وجودی که به آیین اسلام در آمده بود، علاقه وافری به تاریخ و سنن نیاکان خود داشت و در این زمینه پس از بولاد چینگ سانگ، سردار تاریخ شناس مغول و نماینده خان بزرگ در دربار ایران، سر آمد دیگران بود.^۶ پیشنهاد و تشویق وی به تألیف قسمت نخست جامع التواریخ انجامید.^۷

یکی از عواملی که موجب رشد جریان تاریخ نگاری در دوره ایلخانان گردید پیدایش فضای فرهنگی مناسبی بود که در پرتو حاکمیت سیاسی متمرکز و توأم با تساهل و تسامح مذهبی مغولان پدیدار گشت. ازسوی دیگر تحکیم پایه های امپراتوری مغول و گسترش قلمروی مغولان از چین تا ممالک اسلامی و ایجاد روابط با دول اروپایی و به دنبال آن ورود اطلاعات جدید از این سرزمین ها به ایران، مورخان آگاه و باذوقی نظیر خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر غازان خان و اولجایتو را به استفاده از این زمینه ها ترغیب کرد. همچنین این تحولات مورخان را متوجه تاریخ ملل دیگر جهان و نگارش تاریخ آنان نمود که در این میان نیز نقش رشیدالدین فضل الله در نگارش و تألیف تاریخی جهانی، ممتاز و بی سابقه است.

رشیدالدین فضل الله بن عمادالدوله ابوالخیرات وزیر دانشمند عصر ایلخانی در زمینه دانش و ادبیات و تاریخ نظیر طبابت، تدبیر ملک و سیاست و وزارت استعدادی قوی ولیاقتی کم نظیر داشت و از این رو موفق گردید با استفاده از منابع مختلف آثار عظیمی در زمینه علمی و تاریخی و حتی معماری و شهر سازی از خود به جای گذارد که متأسفانه بخشی از آنها چون مجتمع بزرگ علمی ((ربع رشیدی)) در نتیجه اقدامات برخی از اصحاب غرض و حسد از بین رفت، ولی با اینحال نام نیک وی در تاریخ باقی ماند. از وی نه تنها در ایران با نام نیک یاد می شد بلکه در مناطق دیگری نظیر قلمروی ممالیک که در دشمنی با ایلخانان و کارگزاران آنان سر آمد بودند، عموماً عقاید مثبتی درباره درست دینی رشیدالدین وجود داشت، ویژگیهایی نظیر اعتدال، حلم، فروتنی و بخشندگی او ستوده شده است.^۹

رشید الدین از همنشینی با علما و ادبا و شعرای نامور دوران بهره می برد و به آنان بهره می رساند. آنچه که رشیدالدین را به همنشینی با علما تشویق می کرد، دانش طلبی و روح علمی و انتقادپذیری او بود. رشیدالدین به پیروی از اجدادش علاوه بر آشنایی بر علم طب بر علوم مرتبط با آن نظیر داروشناسی نیز مسلط بود. همچنین با فلسفه و الهیات و اغلب دانش های زمان خود آشنایی داشت و مولف آثار بسیار دینی بود. او زبان های مختلفی نظیر فارسی، عربی، عبری، ترکی، مغولی و شاید چینی را می دانست.^{۱۰} از ویژگیهای دیگر وی مهارت و استعداد نویسندگی بود که تقریباً در حد کمال واجد آن بود و به مرور زمان بر اثر ممارست در تأمل و تفکر، توانایی خاصی در تألیف و تنظیم افکار و اندیشه های خود به دست آورد. کتابخانه او ۶۰ هزار جلد کتاب داشت.^{۱۱}

رشیدالدین به عنوان مورخی برجسته نیز مقامی ممتاز دارد و تالیفات تاریخی گسترده اش به لحاظ وسعت و اعتبار و شیوه علمی اعجاب و تحسین محققان و تاریخ پژوهان را برانگیخته است. این وزیر دانشمند آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که بخشی در حوزه تاریخ، شماری در معارف دینی نظیر تفسیر، علوم قرآنی و احکام و اندکی در طب و آیین مملکتداری است. اگرچه مکاتبات و نامه های وی نیز منبع تاریخی

سودمندی می باشند ولی تألیف اصلی او کتاب جامع التواریخ است که برجستگی خاص ویژه ای دارد و تاریخی ((جامع)) از تمامی ملل تابع امپراتوری مغول می باشد. این اثر بدون تردید یکی از اعظام کتب تاریخی به زبان فارسی است.

رشیدالدین در مقدمه تاریخ مبارک غازانی، که آن را در سال ۷۰۴ هجری به انجام رساند و مجلد اول از کتاب بزرگ جامع التواریخ است، به تعریف و تبیین تاریخ پرداخته و گفته است:

« تاریخ عبارت است از ضبط و ترتیب هر حالی غریب و حادثه عجیب که به نادر اتفاق افتد، و آن را در متون دفاتر و بطون اوراق اثبات کنند و حکماء ابتدای آن حادثه را تاریخ آن حال گویند و مقدار و کمیت زمان به واسطه آن بدانند برین معنی ابتدای هر ملتی و هر دولتی تاریخ معین باشد و کدام حادثه و قضیه از ابتدای ظهور دولت چنگیز خان معظم تر بوده است که آن را تاریخ توان ساخت چه به زمانی اندک بسیاری از ممالک عالم به رأی ثاقب و تدبیر صایب و کمال کیاست و فرط سیاست مسخر گردانید ... و رسم و عادت حکماء و علماء چنان است که معظمتا وقایع خیر و شر هر زمان مورخ کنند تا بعد از آن اخلاف و اعقاب اولوالابصار را اعتباری باشد و احوال قرون ماضی در ادوار مستقبل معلوم ایشان شود.»^{۱۲}

ارزش فوق العاده جامع التواریخ در مجلد اول آن یعنی در تاریخ مغول یا تاریخ غازانی نهفته است که رشیدالدین نگارش آن را در سال ۷۰۲ ق / ۱۳۰۳ م برای غازان خان آغاز کرد اما پیش از آن که تدوین کتاب به پایان رسد، غازان در شوال ۷۰۴ ق / ۱۳۰۵ م درگذشت. با وجود این کتاب در دوره برادر و جانشین وی یعنی سلطان محمد اولجایتو (۷۱۶-۷۰۳ ق / ۱۶-۱۳۰۴ م) به انجام رسید و به امر وی به نام برادرش غازان خان موشح و مشهور گشت. وزیر پس از تقدیم آن کتاب از طرف الجایتو ماموریت یافت تا به تألیف مسوط تری بپردازد، به این معنی که ایلخان تنظیم و تدوین تاریخ همه اقوامی را که با مغولان روابطی داشتند به وی محول کرد.^{۱۳} این اثر از تاریخ اقوام ترک و مغول و اجداد

چنگیزخان آغاز می‌شود و به وفات غازان بن ارغون در سال ۷۰۳ق/۱۳۰۴م خاتمه می‌یابد. این جلد به طور گسترده متکی بر منابع بومی که اکنون از بین رفته است قرار دارد و ماخذ عمده ما پیرامون منشاء و نسب مغولان و برپایی امپراتوری آنان محسوب می‌شود. از این رو است که این اثر تاریخی، مرجعی معتبر و ارزشمند در شناخت قوم مغول و شجره و شاخه‌های مختلف نژادی آن به شمار می‌رود.

این مجلد، بر طبق نظم اولیه به دو بخش نامساوی تقسیم می‌شود. بخش اول و کوتاه‌تر شامل تاریخ قبایل مختلف ترک و مغول، تقسیم‌بندی قبایل، اصل و تبار و افسانه‌های عامیانه آنها می‌شود که در یک مقدمه و چهار فصل تدوین شده است. اما بخش دوم که به مراتب گسترده‌تر است زندگی چنگیزخان، اسلاف وی و جانشینان او را تا مرگ غازان مورد بحث قرار می‌دهد،^{۱۴} و به همین سبب به ((تاریخ مبارک غازانی)) معروف می‌شود.^{۱۵} رشیدالدین به سبب رابطه نزدیکی که با غازان و اولجایتو داشت، ناگزیر بود از گزارش برخی وقایع خوداری و یا آن را جرح و تعدیل کند. در این بخش هر چه رشیدالدین در توصیف وقایع به زمان خود نزدیک‌تری شود، بیشتر ملاحظه هیئت حاکمه مغول را می‌کند. با این حال می‌توان قضاوت وی را در مورد غازان آنجا که وی را بزرگترین و پراهمیت‌ترین فرمانروای مغول در ایران قلمداد می‌کند، تأیید نمود.^{۱۶}

اثر رشیدالدین در درجه اول گنجینه‌ای است سرشار از اطلاعات تاریخی، ادبیات اساطیری، باورها و شیوه زندگی مغولان در قرن‌های هفتم و هشتم هجری / دوازدهم و سیزدهم میلادی. این اطلاعات در هیچ اثر دیگری به این فراوانی تا زمان ما باقی نمانده است.

مجلد دوم شامل دو بخش می‌باشد. بخش اول در تاریخ عمومی عالم است و بعد از مجلد اول به سفارش اولجایتو و به نام او تألیف شده و به سال ۷۱۰ق/۱۳۱۰م پایان یافته است. بخش دوم شامل تاریخ اولجایتو از زمان تولد تا سال ۷۰۶ق/۱۳۰۶م است که نسخه خطی آن در سال ۱۳۰۲ش/۱۹۲۳م توسط احمد زکی ولیدی توقان درمشهد پیدا شد.^{۱۷} در این جلد رشیدالدین وظیفه دشواری را به عهده گرفت. این کار سنگین تألیف

تاریخ عمومی از تمام اقوام اورسیا بود که به شکلی با مغولان ارتباط داشتند. این مجلد با داستان حضرت آدم و پیامبران شروع می‌شود و از تاریخ سلاطین ایران پیش از اسلام، از حضرت محمد (ص) و خلفا تا سقوط آنان به دست مغولان در سال ۶۵۶ق/۱۲۵۵م، از سلاطین ایران بعد از اسلام، از اوغوزها و اخلاف آنان، از ترکان، چینی‌ها، از اویغورها، از یهودیان، از فرانک‌ها و امپراتور آنها، از پاپ و بالاخره از هندیان با شرح مبسوطی درباره بودا و بوداییان سخن به میان می‌آید. بدین ترتیب بخش اول جلد دوم جامع التواریخ که در عهد الحیاتو پایان گرفته است، در واقع اولین تاریخ جهانی به شمار می‌رود.^{۱۸}

از دیدگاه ژان سواژه این اثر تنها نمونه‌ی یک تاریخ جهانی در دوره قرون وسطای اسلامی است و مولف آن، اثری در خور اربابان یک امپراتوری با داعیه گسترش جهانی به وجود آورده است.^{۱۹} به عقیده خانم دکتر وانگ ای دان، خواجه رشیدالدین نخستین مولفی است که در تألیف تاریخ چین به طور مستقیم از منابع اصلی و معتبر چینی استفاده کرده و با دانشمندان چینی همکاری و ارتباط داشته است. همچنین بخش تاریخ چین جامع التواریخ نخستین اثر مستقل و گسترده‌ای است که در سیر تاریخ‌نگاری در ایران و اسلام درباره چین تألیف شده است.^{۲۰} به عقیده دکتر زرین کوب نیز قسمت تاریخ مغول جامع التواریخ که با همکاری مورخین و فضلالی چینی و مغولی و با استفاده از مآخذ و اسناد مهم و معتبر تألیف شده است اهمیت تمام دارد و از منابع بسیار مهم تاریخ ایلخانان ایران است. چنانکه در باب تاریخ اسماعیلیه نیز اطلاعات بسیار مهمی دارد که حاصل تتبع تمام و نتیجه تحقیق در مآخذ مهم بوده است.^{۲۱}

رشیدالدین درباره سبک و شیوه تاریخ‌نگاری خود سخن گفته و چنین نوشته

است:

«چون این ضعیف به تألیف این جامع التواریخ مامور شد، از آنچه در کتب مشهور هر طایفه مسطور یافت و از آنچه نزد هر قومی به نقل متواتر شهرت داشت، و از آنچه دانایان و حکمای معتبر هر طایفه بر حسب معتقد خود تقریر کردند، هم بر آن منوال بی هیچ تغییر و تبدیل و تصرف در قلم

آورد و ممکن است به سبب قصور فهم او یا اهمال راوی، بعضی از آن جمله فوت شده باشد، و مع هذا دلخواه بود که در تنقیح حکایات اجتهادی هر چه تمامتر رود، لیکن در آن باب زیادت سعی میسر نشده.^{۲۲}

جامع التواریخ بر خلاف سبک فاخر و فنی جهانگشای جوینی و شیوه مغلق و به کلی مصنوع تجزیه المصار و صاف، بسیار ساده و روان و بی پیرایه و گاه به ویژه در برگرداندن نوشته های مغولی به زبان محاوره روزگار مولف نوشته شده است، و با آن سبکی نو در نگارش فارسی آغاز گردیده است و حتی اشخاصی نظیر مستوفی و بناکی در شیوه نگارش از آن پیروی کرده‌اند. آنچه درباره نثر رشیدالدین می توان گفت این است که اگر نفوذ کلمات و اصطلاح های مغولی وافر در بخش هایی از جامع الواریخ که به ناچار آمده است بگذریم، نثر رشیدالدین فضل‌الله به سبب سادگی و استحکان آن قابل توجه است. این سادگی و روانی کلام گاه در منشآت او هم، که می بایست به رسم اهل زمان با انشاء مصنوع مزین نگاشته می شد، دیده می شود.^{۲۳}

مجلد سوم کتاب وی در باب مسالک و ممالک و معرفت بلاد یا جغرافیای عالم تحت عنوان ((صووالاقلیم)) بوده است. از آن جایی که تا کنون دست نوشته ای از این مجلد پیدا نشده است، برخی حدس می زنند که احتمال دارد رشیدالدین مجال تألیف این کتاب را نیافته باشد و برخی نیز معتقدند ممکن است این اثر در موقع تاراج و انهدام ربع رشیدی از میان رفته باشد.^{۲۴} اما برخلاف نسخه قدیمی جامع التواریخ (۷۰۶ق / ۱۳۰۶م) که در سه مجلد موجود است، در نسخه جدید (۷۱۰ق / ۱۳۱۰م) و چهار جلدی آن، صور الاقلیم در مجلد چهارم قرار می گیرد.

از اوایل قرن سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی چاپ های متعددی از بخش های بازمانده جامع التواریخ رشیدی در کشورهای مختلف جهان انجام گرفته که بیشتر آنها شامل بخش خاصی از این کتاب به انتخاب محققان و مصححان نسخه ها است. فهرست نسخ خطی جامع التواریخ در فهرست استوری گردآوری شده است.^{۲۵} سراسر کتاب بانثری نسبتاً ساده نوشته شده و از جهات بسیاری اثری برجسته و با ارزش محسوب می شود.

رشیدالدین فضل الله همدانی ضمن داشتن مقام وزارت در عصر دو ایلخان معروف مغول یعنی سلطان محمود غازان و سلطان محمد اولجایتو و اشتغال دائم به امور وزارت و اداره قلمروی پهناور ایلخانی به کار تألیف این اثر عظیم همت گماشت. او مقام وزارت را تا پادشاهی سلطان ابوسعید بهادرخان همچنان در اختیار داشت. اما پس از دسیسه چینی گروهی از حاسدان و به خصوص گماشتگان تاج الدین علیشاه تبریزی به همراه فرزندش عزالدین ابراهیم متهم به مسموم کردن سلطان الچایتو گردید. خردسالی ایلخان و ساده اندیشی امیران مغول باعث شد که فرمان قتل خواجه و فرزندش صادر شود و در نزدیکی تبریز به اجرا درآید.^{۲۶}

همین کثرت و عظمت آثار، با در نظر گرفتن کثرت مشغله وی در امر وزارت ایلخانان برخی را به این تردید انداخته است که شاید این آثار عظیم تماماً ثمره کار شخصی خود وزیر نبوده باشد، چنانچه ادگار بلوشه فرانسوی بر خلاف هموطن دیگر خود کاترمر معتقد است که رشیدالدین مردی زیرک و مستعد بود که با استفاده از مقام و موقع و نفوذ فوق العاده خویش گروهی متخصص و عالم و نویسنده نیازمند را بکارگرفته و ثمره کوشش و نتیجه کار آنان را به نام خود کرده است.

در مقابل کاترمر معتقد به نبوغ نویسندگی و قوه ابداع و استعداد شگرف رشیدالدین است.^{۲۷} در بررسی همه جانبه و در نظر گرفتن جوانب امر شاید بتوان حد و سطحی در بین این دو نظریه مطرح کرد که رشیدالدین ضمن داشتن توان و استعداد کامل نویسندگی، ولی به علت گرفتاری و مشغله کاری در تنظیم اثر خویش از ثمره کار دیگران نیز بهره برده است.

چنانچه اصولاً کار مورخ نگارش تاریخ براساس شنیده ها و گفته ها و نوشته های دیگران است و رشید الدین در مجلد دوم خود در تألیف تاریخ عالم به چنین روشی عمل کرده است. بدین ترتیب که وی با بدست آوردن متونی تاریخی یا علمی از ملل مختلف نظیر چینی و مغول و فرنگی و ترجمه آن متون توسط خود یا عالمان دیگر و گاه کسب اطلاعات از فضلا و محققان اقوام مختلف، ضمن داشتن مسئولیت عظیم وزارت در اوقات

فراغت و مواقع مناسب به تألیف اثر عظیم خویش جامع التواریخ همت گماشته است. خود رشیدالدین نیز که احتمال این شک و تردید را از سوی دیگران می‌داد، در خطبه تاریخ این کتاب اینطور بیان نموده که

((کتابت این تاریخ از وقت صبح بعد از ادای فریضه و بعضی اوراد تا طلوع آفتاب بوده، چون در اوقات دیگر فراغت بواسطه امور ملکی و اشتغال دیوانی میسر نبوده)).^{۲۸}

چنانچه امروز برای نوشتن و گردآوری یک دایره المعارف عده کثیری از علماء و نویسندگان جمع شده و به کار نگارش آن در شاخه های مختلف می پردازند، در کار تألیف اثر عظیمی چون جامع التواریخ نیز جز این نمی توان انتظاری داشت، اما نظارت نهایی و نگارش کتاب به خصوص بخش تاریخ مغول را خود رشیدالدین به عهده داشته است. به عقیده بارتولد جامع التواریخ دایره المعارف تاریخی عظیمی است که هیچ ملت واحدی در سده های میانه، چه در آسیا و چه در اروپا، نظیر آن را نداشته است.^{۲۹} اگر چه از نظر نباید دور داشت که در گذشته نیز علمایی نظیر ابن سینا و خواجه نصیر الدین طوسی ضمن تبحر در تمامی علوم گاه دست به کار سیاست و وزارت نیز می شدند و از پس آن به خوبی بر می آمدند.

از آن جایی که رشیدالدین ایمان داشت که اخلاف از رحمت او بهره خواهند برد، اقدامات گسترده ای را برای اطمینان از محافظت آثارش و انتقال آن به آیندگان انجام داد. بدین طریق که تمامی آثار فارسی خویش را به عربی برگرداند و تألیفات عربی خود را به فارسی ترجمه کرد و مراقب بود که همه ساله رونوشت ها و نسخ تازه ای از آثار وی به هر دو زبان نوشته شود.^{۳۰} این امر میل به جاودانگی را در آثار رشیدالدین، چه در آثار تألیفی و چه در آثار معماری وی که در ربیع رشیدی از وی بجا مانده، نمایان می سازد. گفته می شود که وی برای نسخه برداری، صحافی، تهیه نقشه ها و تصاویر آثار مختلف خود مبلغ ۶۰ هزار دینار خرج کرده بود.^{۳۱}

اگر چه این خواسته خواجه رشیدالدین فضل الله پس از وی تداوم نیافت ولی مردان بزرگ و با تدبیر همیشه در پی حفظ آثار با ارزش گذشتگان بوده اند، چنانچه در عصر صفوی نیز شاه عباس کبیر که عظمت کار وزیر دوره ایلخانی را در چهارصد سال قبل دریافته بود، دستور به نوسازی رشیدیه داد.^{۳۲} زیرا محل آن را برای ایجاد یک شهر بزرگ مناسب می دانست. چنانکه امروز نیز پس از گذشت چندین قرن عظمت آثار رشید الدین دوباره ظاهر گردیده و از همین روست که میل به انتشار و توجه بیشتر به آثار وی و طرح احیای ربع رشیدی دوباره مطرح گردیده است که کاری در خور تقدیر و قابل ستایش است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت‌ها

- ۱- مورگان، دیوید، مغولها، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱، ص ۲۸.
- ۲- ریپکا، یان. کارکلیما، اتا. بچگاه، ایرژی، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: انتشارات گوتمبرگ و جاویدان، ۱۳۷۰، ص ۴۵۰.
- ۳- منهاج سراج، طبقات ناصری، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۲۴.
- ۴- ن. ک، بار تولد، و، و، ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۲۴. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۳۴.
- ۵- مرتضوی، منوچهر، مسایل عصر ایلخانان، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۰، ص ۳۷۴.
- ۶- رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۶۹.
- ۷- بویل، جان اندرو، ((رشید الدین فضل الدین همدانی نخستین نویسنده تاریخ جهان))، ترجمه محمد نظری هاشمی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۸۳-۸۱، سال ۷، ش ۱۱ - ۱۰-۹، (تیر و مرداد و شهریور)، ۱۳۸۳، ص ۴۱.
- ۸- زرین کوب، ص ۳۴.
- ۹ - آمیتای - پریس، ریون، ((تازه های منابع مملوک درباره شرح حال رشید الدین))، ترجمه جواد عباسی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۸۳-۸۱، سال ۷، ش ۱۱ - ۱۰ - ۹، (تیر و مرداد و شهریور)، ص ۳۱.
- ۱۰- مرتضوی، ص ۴۶۱. چنانچه غازان نیز بر طبق نوشته رشیدالدین علاوه بر مغولی، مقداری عربی، فارسی، هندی، کشمیری، تبتی، ختایی، فرنگی و دیگر زبانها را می دانست، آمیتای - پریس، ص ۳۲.
- ۱۱- ریپکا، یان، تاریخ ایران کمبریج [از آمدن سلجوقیان تا فرو پاشی دولت ایلخانان]، جلد پنجم، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر، بخش هشتم، ص ۵۸۶.

- ۱۲- رشیدالدین فضل الله، ج ۱، ص ۱۷-۱۶.
- ۱۳- بارتولد، ج ۱، ص ۶-۱۲۵.
- ۱۴- بویل، ص ۴۰.
- ۱۵- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳، ج ۳، بخش ۲، ص ۱۲۵۱.
- ۱۶- اشپولر، بر تولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۷.
- ۱۷- بار تولد، ج ۱، ص ۱۲۷، ۱۳۰ ح. بویل، ص ۳۹.
- ۱۸- بویل، ص ۴۰-۳۹.
- ۱۹- سوازه، ژان، مدخل تاریخ شرق اسلامی، ترجمه نوش آفرین انصاری (محقق)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۱.
- ۲۰- رشید الدین فضل الله، تاریخ چین، ویرایش و پژوهش دکتر وانگ ای دان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹، ص ۴۳.
- ۲۱- زرین کوب، ص ۳۵.
- ۲۲- رشیدالدین فضل الله، ج ۱، ص ۱۰-۹.
- ۲۳- صفا، ذبیح الله، گنجینه سخن، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ج ۴، ص ۲۱۴.
- ۲۴- مرتضوی، ۴۰۵ ح، ۴۱۵ ح، ۴۳۱ ح.
- ۲۵- استوری، ادبیات فارسی، ج ۲، ترجمه یحیی آرین پور و سیروس ایزدی و کریم کشاورز، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۶۳-۴۵۸. برای اطلاع از فهرست مهمترین چاپ های صورت گرفته از جامع التواریخ ن. گ، خسرویگی هوشنگ، ((تاریخ چین از جامع التواریخ))، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۸۳-۸۱، سال ۷، ش ۱۱-۱۰-۹، (تیر و مرداد و شهریور)، ۱۳۸۳، ص ۳-۶۱، و یا ن. گ، رجب زاده، هاشم، سرگذشت غازان خان، تلخیص و باز نویسی بخش تاریخ مبارک

- غازانی از کتاب جامع التواریخ اثر رشیدالدین فضل الله همدانی، زیر نظر اکبر ایرانی و علیرضا مختاریور، تهران: اهل قلم، ۱۳۸۲، ص ۲۷-۲۴.
- ۲۶ - مرتضوی، ص ۴۱۷.
- ۲۷ - همان، ص ۶۰-۴۵۹.
- ۲۸ - دولتشاه سمرقندی، تذکره الشعراء، به همت محمد رضایی، تهران: انتشارات پدیده (خاور)، ۱۳۶۶، ص ۱۶۳.
- ۲۹ - بارتولد، ج ۱، ص ۱۲۷.
- ۳۰ - همان، ج ۱، ص ۱۲۷.
- ۳۱ - بویل، ص ۳۸.
- ۳۲ - ن. ک، شاردن، ژان، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۷۸.

